

ایدئولوژی و رهبری و تاثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران

مصطفی ملکوتیان *

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۸۳/۱۳ - تاریخ تصویب: ۸۸۷/۲۷)

چکیده:

ایدئولوژی و رهبری انقلابی دو مورد از مهم ترین عوامل رخداد انقلاب به شمار می روند. در این پژوهش ضمن معرفی مبنا، محتوا و میزان گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی و هم چنین ویژگی ها، کارکردها و راهبردهای رهبری حضرت امام (ره) در انقلاب اسلامی به بیان تاثیر قاطع و اساسی این دو عامل بر سقوط سریع رژیم پهلوی، ثبات پایدار پس از پیروزی و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی:

انقلاب اسلامی، ایدئولوژی انقلابی، رهبری انقلاب، ثبات سیاسی، بازتاب انقلاب

مقدمه

در میان عوامل پدید آورنده انقلاب دو عامل ایدئولوژی و رهبری انقلابی جایگاهی ویژه دارند. این دو عامل به همراه عواملی مانند نارضایتی عمیق از شرایط موجود، نقش توده‌ها، گسترش روحیه انقلابی و عنصر خشونت باعث تغییر انقلابی شده، مسیر تحولات داخلی و منطقه‌ای و گاه جهانی را تغییر می‌دهند (مصطفی ملکوتیان، "انقلاب از آغاز تا فرجام؛ مروری بر ویژگی‌های هفتگانه مشترک انقلاب‌ها"، صص ۲۴۷ - ۲۶۴). ایفای نقش ایدئولوژی و رهبری با پیروزی انقلاب پایان نمی‌یابد و مسیر تحولات آینده در حد بالا با وضعیت ایدئولوژی انقلابی و رهبری انقلاب مرتبط است.

به گونه‌ای دقیق‌تر، نقش این دو عامل از یک سو بر حوادث منجر به وقوع انقلاب و از سوی دیگر بر زمان و سرعت پیروزی (یا شکست) و در نهایت بر شرایط و تحولات پس از پیروزی از جمله میزان ثبات و بازتاب انقلاب است.

دو عامل ایدئولوژی و رهبری بر یکدیگر نیز تأثیری آشکار دارند: ایدئولوژی انقلابی توسط رهبری انقلابی تولید یا در صورت موجود بودن صیقل یافته و تبلیغ می‌گردد و خود دارای نقش در تنظیم راهبردها و روش‌های مبارزه و طرح نظام سیاسی و اقتصادی جدید است. زمانی که یک ایدئولوژی درونزا بوده و از بطن تاریخ و فرهنگ کشور بیرون آید، ممکن است این تاریخ و فرهنگ و ایدئولوژی نقشی قاطع در تربیت و ساختن رهبری انقلاب ایفا کرده باشد.

به طور کلی، کشیدن خط فاصله میان دو عامل ایدئولوژی و رهبری در ایفای نقش در انقلاب قدری مشکل است و این دو را می‌توان همچون دو قسمت یک عامل واحد موثر در حوادث و شرایط پیش و پس از وقوع پیروزی انقلاب در نظر گرفت.

حال توجه به این نکته نیز لازم است که هر چند پس از وقوع انقلاب‌های پایانی قرن ۲۰ از جمله انقلاب اسلامی ایران، نسل چهارم نظریه‌های انقلاب پدید آمده است که بر نقش فرهنگ و هویت، ایدئولوژی و رهبری در وقوع انقلاب توجه می‌نماید، تا پایان دهه ۱۹۷۰ نسل سوم نظریه‌های انقلاب سلطه داشت که بر جبری بودن این پدیده تأکید می‌نمود و به عوامل فرهنگ، ایدئولوژی و رهبری چندان بهائی نمی‌داد (تدا اسکاچپول، ۱۳۷۶، صفحات مختلف / Jack Goldstone, 2001, p.139).

در این پژوهش بر آن هستیم تا با معرفی و بازخوانی ویژگی‌ها، جنبه‌های مختلف تأثیرگذاری دو عامل ایدئولوژی انقلابی و رهبری در انقلاب اسلامی ایران را بازگو نمائیم و از جمله نقش این عوامل در غافلگیری متخصصان پدیده انقلاب، تحلیل گران سیاسی و سیاستمداران که تصور وقوع آن را نداشتند، پیروزی سریع، ثبات پایدار پس از پیروزی و بازتاب گسترده جهانی آن را بررسی و معرفی نمائیم.

الف - ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران

در تحولات اجتماعی بشر نقش آرمان‌ها و اندیشه‌ها بی‌بدیل و آشکار است؛ چرا که آنچه انسان را از سایر جانداران جدا می‌سازد، برخورداری او از موهبت‌ها و استعداد‌های فکری و ذهنی و توانایی اندیشیدن و انتخاب کردن است. آرمان‌ها دارای دو بخش جهان‌بینی - به معنی هست‌ها و نیست‌ها - و ایدئولوژی - به معنی باید‌ها و نبایدها - هستند و همواره رابطه‌ای تنگاتنگ بین جهان‌بینی و ایدئولوژی وجود دارد. وقتی ما از هست‌ها و نیست‌هایی ویژه سخن می‌گوئیم، باید‌ها و نبایدهایی خاص را نیز در برابر خود می‌یابیم و البته واضح است که منطقی‌تر آنست که از یک گروه هست و نیست (یک جهان‌بینی خاص) هر نوع از باید و نباید (ایدئولوژی‌های متفاوت) را استخراج کرد (مرتضی مطهری، ۱۳۷۹، صص ۷۵-۷۶).

مطالعه انقلاب‌ها این نکته را به ما می‌آموزد که گسترش ایدئولوژی‌(های) جدید جایگزین در میان نخبگان و توده‌ها به ویژه در دوره‌های پایانی رژیم‌های پیشین، همواره وجود داشته و این عامل شاید مهم‌ترین در میان عوامل ایجاد کننده انقلاب بوده است:

در فرانسه پیش از انقلاب ۱۷۸۹، قرن ۱۸ بدلیل بیان و گسترش ایدئولوژی‌های جدید توسط فهرستی طولانی از افراد مشهور مانند منتسکیو، ولتر، روسو، دیدرو، رنال، دلباخ، ولنه، هلوسیوس، کندورسه، برناردن دو سن پیر، بومارشه، دالامبر، علمای اقتصاد (کسنی، گورنی، تورگو، نکر و غیره) علمای دایره المعارف، رهبران انقلابی (میرابو، دانتون و روبسپیر) و اقبال عمومی به این ایدئولوژی‌ها، قرن روشن‌فکری خوانده شده است (کرین بریتون، ۱۳۶۶، صص ۵۱-۵۲ و منابع دیگر).

در روسیه پیش از انقلاب ۱۹۱۷ به ویژه پایان قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰ نیز گروه‌های مختلف مانند کادت‌ها (مشروطه‌خواهان)، سوسیالیست‌های انقلابی (غیرمارکسیستی)، سوسیال‌دمکرات‌ها (که بعد به دو گروه مارکسیستی بلشویک و منشویک تقسیم شدند)، آنارشیزم‌ها، لیبرال‌ها، غرب‌گرایان و ضدغرب‌گرایان به پراکندن افکار جدید و نفوذ روی نخبگان و توده‌ها مشغول بودند و این تلاش‌ها در فراهم کردن شرایط وقوع انقلاب ۱۹۱۷ نقش بارز داشت (مارک فرو، ۱۳۵۳، صص ۳-۷ / جونل کارمایکل، ۱۳۶۳، صص ۱۳-۳۱ / 86-69, pp. 1971, George Slavrou, Theofanis).

این وضعیت بگونه‌ای خاص در دهه‌های پایانی رژیم پهلوی در ایران نیز دیده می‌شد؛ به صورتی که در دو دهه آخر این رژیم تلاش‌های گسترده روحانیت انقلابی و روشنفکران مسلمان در فراهم آوردن زمینه‌های بازگشت به خویشتن و به فرهنگ و درون مایه‌های خودی در مقابل هجوم همه‌جانبه فرهنگی غرب و اندیشه‌های غربی را می‌بینیم. بدون شک اگر این مرحله نبود، انقلاب اسلامی نیز اتفاق نمی‌افتاد.

اینک اشاره ای به محتوا، ماهیت، تکوین و عوامل فراگیر شدن ایدئولوژی انقلاب اسلامی می نمائیم:

۱- عناصر تشکیل دهنده ایدئولوژی انقلاب اسلامی

اسلام دینی جامع و کامل و در برگیرنده تمام جنبه‌های زندگی بشر- چه فردی و چه اجتماعی- می‌باشد و در همه حیطه‌ها از جمله در سیاست، اقتصاد، جامعه، فرهنگ، عرفان، اخلاق، علم و غیره آموزه‌های ناب الهی دارد. انقلاب اسلامی ایران نیز بر همین اساس، در مقایسه با انقلاب‌های دیگر، از یک ایدئولوژی منحصر بفرد برخوردار است؛ بگونه‌ای که در این ایدئولوژی علاوه بر تاکید بر جنبه‌های ویژه یعنی تشکیل جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، نقاط مثبت ایدئولوژی‌های انقلاب‌های دیگر مانند آزادی، برابری، استقلال و توسعه نیز وجود دارد. در واقع همه این عناصر بخش جدائی‌ناپذیر ایدئولوژی انقلاب اسلامی هستند و نمی‌توان ادعا کرد که از ایدئولوژی‌های دیگر رونویسی شده‌اند.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی بیانگر ارائه طرح و راهی جدید به ملت‌های استعمارزده جهان برای کسب استقلال و رهایی و ساختن جامعه‌ای آزاد و توسعه یافته است. در این میان، کسب استقلال که از عناصر مهم تشکیل دهنده ایدئولوژی انقلاب اسلامی است، یک پیش شرط لازم برای دستیابی به جامعه آرمانی مورد توجه انقلاب اسلامی است. تحولات تاریخ معاصر جهان نشان داده است که انقلاب هائی که پس از پیروزی راه مماشات با دولت‌های استعمارگر بدون عزم جدی برای جلوگیری از نفوذ دوباره آن‌ها را در پیش گرفته‌اند، سرانجام استقلال و دست‌یابی به توسعه را فدا کرده‌اند.

به طور کلی، ایدئولوژی انقلاب اسلامی از نظر مبنا یک ایدئولوژی درونزا و دارای اصالت فرهنگی و از نظر همراهان بسیار فراگیر و در برگیرنده بیشتر نزدیک به همه مردم بوده است.

۲- ماهیت انقلاب اسلامی

توجه به مفاد درونی ایدئولوژی انقلابی یکی از راه‌های شناخت ایدئولوژی انقلاب است. عناصر تشکیل دهنده ایدئولوژی انقلاب ۱۳۵۷ ایران حکایت از ماهیت اسلامی این انقلاب دارد. از سوی دیگر، شناخت ماهیت هر انقلابی و از جمله انقلاب اسلامی ایران از طریق توجه به شعارها، ماهیت و ویژگی‌های رهبری و ویژگی‌ها و اعتقادات همراهان آن انقلاب نیز امکان‌پذیر است.

شعارها

در انقلاب اسلامی گسترش و طرح شعارهایی مانند استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی - نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی - حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله - الله اکبر خمینی رهبر - نهضت ما حسینیه رهبر ما خمینیه - حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست - اسلام پیروز است چپ و راست نابود است و در مقابل، ناکامی شعارهای گروه‌های ملی‌گرا و مارکسیستی در جذب توده‌ها و هم‌ردیف خواندن امپریالیسم و کمونیسم توسط انقلابی‌های مسلمان گویای ماهیت اسلامی این انقلاب است (محمدحسین پناهی، ۱۳۸۳، صفحات ۱۷۱، ۱۱۵، ۸۴، ۸۲، ۱۷۲).

بر مبنای یک تحلیل آماری از دیوار نوشته‌های سال ۱۳۵۷ از مجموع ۱۰۷۷ مورد شعار دیواری، بیش از ۹۰ درصد در باره حمله به رژیم پیشین و کارگزارانش، حمایت از امام، تأیید اسلام و حکومت اسلامی، شهدای اسلام، تلاش در جهت وحدت مردم برای تداوم مبارزه و از ۱۰ درصد بقیه ۸/۵ درصد شعارهای متفرقه بدون محوری خاص اما در جهت تخریب رژیم پهلوی بوده است (مهدی محسنیان راد، ۱۳۶۹، ص ۳۷).

رهبری و ساختارهای بسیج‌گر

ویژگی‌های رهبری امام خمینی (ره)، در همه جنبه‌های شخصیتی، اعتقادی و عملکردی گویای ماهیت اسلامی انقلاب ایران است: او تربیت یافته مکتب اسلام بود و تنها به تکلیف الهی خود عمل می‌کرد و زندگی زاهدانه و بدور از تجمل داشت. مقابله با محمدرضا شاه را وظیفه دینی خود و مردم می‌دانست و منبع القاء‌کننده روش‌های مبارزاتی وی نیز اندیشه اسلامی بود و به حرکت توده‌ها و نخبگان براساس مرجعیت عامه اعتقاد داشت و دیگر حرکت‌ها را ناموفق می‌دانست (مصطفی ملکوتیان، انقلاب‌های متعارض معاصر، پاورقی ص ۱۷۴).

امام در تحلیل‌های سیاسی نیز بسیار دقیق می‌نمود و این تصور را در اذهان پدید می‌آورد که به‌گونه‌ای الهام‌گونه و از منبع الهی سخن می‌گوید. پیش‌بینی‌های او در باره سقوط محمدرضا شاه (مدت‌هاست که می‌دانم شاه رفتنی است)؛ شکست جیمی کارتر از رونالد ریگان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا (آقای کارتر دارد نزد ملتش مطرود می‌شود و باید کاری غیر از ریاست جمهوری پیدا کند)؛ ناکامی صدام در جنگ تحمیلی؛ ناتوانی آمریکا در مساله اشغال لانه جاسوسی و پیش‌بینی سقوط مارکسیزم همگی به تحقق پیوست (صحیفه امام، جلد ۵، ص ۴۳۳ / جلد ۱۱، ص ۱۶۳ / جلد ۲۱، ص ۲۲۱ و غیره).

نقش گروه‌های روحانیت در شهرها و روستاها و نقش مساجد در بسیج و سازماندهی اعتراضات علیه رژیم محمدرضا شاه نیز بیانگر ماهیت اساساً دینی این انقلاب است.

ویژگی‌ها و اعتقادات همراهان انقلاب

از این نظر حداقل سه مطلب وجود دارد که بازگو کننده ماهیت اسلامی این انقلاب است:

- ۱- برخورداری انقلاب از همراهی مردمی کاملاً مذهبی و معتقد که در تاریخ معاصر کشور بارها و تنها به درخواست علمای مذهبی برای آمدن به صحنه پاسخ مثبت داده‌اند؛
- ۲- همراهی بیشتر نزدیک به همه مردم و به علاوه همراهی طبقات مختلف و نه یک یا دو طبقه یا قشر خاص با انقلاب. این امر تنها زمانی اتفاق می‌افتد که یک ایدئولوژی فراگیر و مشترک میان طبقات و قشرهای مختلف اجتماعی گسترش یابد؛
- ۳- نقش نمادها و الگوهای فرهنگی و روزهای تاریخی تاسوعا، عاشورا، عید فطر و غیره در بسیج انقلابی نخبگان و توده‌ها و پیش‌برد انقلاب.

به طور کلی، مذهب و فرهنگ مذهبی نقش اصلی را چه در آماده کردن اذهان برای وقوع انقلاب و چه پیروزی انقلاب ایفا کرده است. فرهنگ در حقیقت هم زمینه ساز و هم پیوند دهنده عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و هموارکننده راه وقوع انقلاب بوده است. و اگر به این جمله ماکس وبر که گفته است: "برای فهم میزان نقش یک عامل در ایجاد یک پدیده اجتماعی، یک لحظه تصور کنید که آیا اگر آن عامل نمی بود آن پدیده اتفاق می افتاد؟" (لوئیس کوزر، ۱۳۶۹، ص ۳۰۹) توجه کنیم، فوراً به این نتیجه خواهیم رسید که اگر نقش عامل مذهب و فرهنگ نبود، هیچ عامل دیگر و هیچ گروه غیرمذهبی قادر نبود در ایران و علیه رژیم پهلوی انقلاب به راه بیندازد.

۳- تکوین ایدئولوژی انقلاب اسلامی

در تاریخ معاصر کشور و پیش از گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی، سه ایدئولوژی به صحنه آمده و سپس هرکدام بدلایلی با شکست مواجه گردیدند. ابتدا تجددخواهی با افرادی هم چون میرزا ملکم خان، آخوندزاده، طالبوف و غیره در دوره نهضت مشروطه پدید آمد. این افراد راه گریز از عقب ماندگی را در غربی شدن می دیدند؛ اما به قدرت رسیدن رضاخان پایان کارشان بود. ملی گرایان ایرانی نیز در دهه ۱۳۲۰ پیش از نهضت ملی شدن صنعت نفت پدید آمدند. این افراد قادر به ربایش بخشی از قدرت شدند، اما از یک ایدئولوژی مبتنی بر شرایط و نیازهای واقعی کشور در زمینه های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برخوردار نبودند و نسخه های دیگران را تجویز کرده و عملاً غرب گرا بودند. اینها نیز با کودتای ۲۸ مرداد به پایان راه رسیدند. مارکسیست های ایرانی نیز از زمان رضاشاه پیدا شده و در زمانهایی مجالی برای حضور یافتند؛ اما بدلیل وابستگی به قدرت های بیگانه مانند اتحاد شوروی یا چین و

کارنامه ناموفق احزاب کمونیستی در سایر نقاط جهان و مهم‌تر از همه بدلیل ناسازگاری عقایدشان با جامعه مذهبی ایران از صحنه طرد شدند (علی محمد حاضری، ۱۳۷۷، صص ۱۱۰-۱۲۲).

تلاش‌های روحانیت انقلابی که حضرت امام در رأس آنها قرار داشت و روشنفکران مسلمان، به ویژه در دو دهه پایانی رژیم پهلوی، باعث تکوین ایدئولوژی انقلاب اسلامی گردید. این تلاش‌ها سه گونه بود:

۱- مبارزه با شبهات فلسفی و سیاسی علیه نقش مذهب در سیاست و شبهات تعارض علم و دین که توسط حکومت، مارکسیست‌ها و غیره در جامعه پراکنده می‌شد. امام تاکید می‌کرد که اسلام اساساً بر رابطه سیاست و مذهب تاکید دارد و از نظر میزان، احکام سیاسی و اجتماعی اسلام بر احکام عبادی آن چیرگی دارد و حکومت فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است و فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است (صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۲۸۹ / حاضری، پیشین، صص ۱۲۲-۱۳۲)؛

۲- تلاش‌های دامنه‌دار انقلابی‌های مذهبی در راستای طرح معنای انقلابی گروهی از مفاهیم اسلامی مانند انتظار، عاشورا، تقیه و غیره (حمید عنایت، ۱۳۷۶)؛

۳- درس‌های حکومت اسلامی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۸ در نجف اشرف که سرمایه نظری بدیع و استوار برای حرکت مبارزان مسلمان بدست داد و دست مایه ایدئولوژیک آنان را تکمیل کرد (حاضری، پیشین، ص ۱۳۰).

۴- عوامل پذیرش همگانی ایدئولوژی انقلاب اسلامی

بطور کلی، این عوامل در پذیرش همگانی و فراگیر شدن ایدئولوژی انقلاب اسلامی نقش داشتند:

- ۱- بومی و درونزا بودن و پیوند آن با فرهنگ اسلامی تاریخی مردم ایران؛
 - ۲- تلاش‌های گروه‌های اسلامی در زدودن شبهات پیش گفته از اذهان و طرح معنای انقلابی مفاهیم اسلامی؛
 - ۳- شخصیت، اندیشه‌ها، افکار، راهبردها و عملکردهای امام خمینی (ره)؛
 - ۴- اعتماد توده‌ها و نخبگان به امام خمینی و روحانیت و اندیشه‌های آنان.
- بدین ترتیب، در شرایط نارضایتی عمومی از شرایط موجود _ ایدئولوژی انقلاب اسلامی توسط مردمی کاملاً مذهبی که مسیر جریانات فرهنگی سیاسی اقتصادی کشور را با آرمان‌های بنیادین شکل گرفته در ذهن خود که این آرمان‌ها محصول فرهنگ دینی و تاریخی ماست، در تعارض و امام خمینی را مردی الهی با اراده پولادین و آئینه افکار و خواسته‌های خود می‌دیدند - به سرعت پذیرفته شد، خیابان‌ها از جمعیت پر گردید و فرصت

هرگونه ابتکار عمل از رژیم محمدرضا شاه و حامیان خارجی آن سلب گردید و رژیمی که خود را میراث خوار «۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران» می‌دانست و ژاندارم ابرقدرت غرب در خاورمیانه و برخوردار از انواع تسلیحات پیشرفته و نیروهای امنیتی و نظامی فراوان بود، فرو ریخت.

ب- روش ها، راهبردها و کارکردهای رهبری امام خمینی(ره) در انقلاب اسلامی

نقش رهبری در همه انقلاب ها شناخته شده است و یک انقلاب بدون رهبری وجود ندارد؛ هرچند در هر انقلابی نقش رهبری به گونه‌ای خاص جلوه‌گر می‌شود. مثلاً در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه میرابو، دانتون و روبسپیر به ترتیب و با سختی ها و مشکلات بسیار ایفای نقش کردند. در انقلاب ۱۹۶۲ الجزایر یک ساختار یعنی جبهه نجات ملی الجزایر این نقش را ایفا کرد و در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه لنین و حزب بلشویک بطور مشترک نقش رهبری را عملی کردند و در انقلاب های ۱۹۵۹ کوبا و انقلاب اسلامی ایران نقش طراز اول به عهده فیدل کاسترو و امام خمینی بود.

در این میان، امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی در جریان انقلاب اقتدار و توانایی ویژه از خود نشان داد و به صورتی خاص ایفای نقش کرد. امام با شناخت کامل از قدرت رژیم شاه و خصوصیات فرهنگی ملت ایران، راه رهایی را در تاکید بر نقش مرجعیت عامه دید و تا زمانی که خود به چنین مرجعیتی نرسیده بود، از مرجعیت عامه زمانه پیروی می‌کرد. به طور کلی در وقوع و پیروزی و تحولات پس از پیروزی انقلاب نقش امام بی بدیل و تعیین کننده بود. اینک به چند موضوع مهم در زمینه رهبری ایشان در انقلاب اسلامی اشاره می‌شود:

۱- مبنای رهبری امام: اعتقاد به انجام وظیفه و تکلیف الهی

امام خمینی انسانی کامل و تربیت شده مکتب اسلام و بنده واقعی خداوند بود و در همه امور بر مبنای وظیفه دینی خود عمل می‌کرد. مبارزه با رژیم طاغوتی محمدرضا شاه و تشکیل نظام اسلامی توسط ایشان در همین راستا قابل تحلیل است.

این امر بر تلاش های امام پس از پیروزی انقلاب از جمله ادامه دادن و سپس پایان دادن به جنگ نیز ساری بود. جنگ باعث آبدیده شدن نیروها و زمینه‌ای برای توسعه و خودکفایی کشور و هم چنین تسریع در صدور انقلاب شد. در این ارتباط امام می‌فرمود: ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم و به

جهانیان ثابت کردیم که سلطه گران جهانی در مقابل اراده ملتی مصمم ناتوان و ضعیف هستند (صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۲۸۳).

۲- نقش ویژگی های شخصیتی امام در رهبری

امام خمینی دارای اراده ای پولادین و اعتماد بنفس کامل بود و به درستی راه خود اطمینان داشت و در مقابل سردمداران رژیم پهلوی بسیار متزلزل و به توانایی خود بی اعتماد و فاقد اعتماد بنفس بودند. دلیری و جرات امام به الگویی برای نخبگان و توده ها تبدیل شد و در آفرینش روحیه انقلابی و گسترش آن که یکی از شرایط اصلی وقوع و تداوم انقلاب است، بسیار تاثیر کرد. ایشان هم پیش از آغاز حرکت نهایی انقلاب که از ۱۹ دی ۱۳۵۶ آغاز شد، و هم در جریان حرکت انقلاب در سال های ۵۶ و ۵۷، این قاطعیت را نشان می داد. در مرحله پایانی، برخی از مقامات سیاسی رژیم پهلوی درخواست ملاقات با ایشان را میکردند، اما امام روی این نکته ایستادگی می کرد که چون حکومت پهلوی غیرقانونی است، آن ها اول باید استعفا دهند تا ملاقات صورت گیرد. از جمله سید جلال تهرانی رییس شورای سلطنت تنها پس از استعفا توانست با ایشان ملاقات نماید (ابراهیم یزدی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۶).

۳- تلاش های امام در رهبری نهضت اسلامی از دهه ۴۰ تا سال ۱۳۵۷

امام در این مدت وظایف مختلف رهبری در حرکت انقلابی را با توانایی نتایج خیره کننده به انجام رسانید. در این جا اشاره ای کوتاه به این تلاش ها می کنیم:

تربیت نیروهای انقلابی؛ امام در سال های پیش از انقلاب به تربیت گروهی از شاگردان مورد اعتماد و معتقد همت گمارد که با حضور خود در شهرها و مناطق مختلف کشور در زمینه سازی و تداوم حرکت انقلاب و از جمله در بسیج عمومی و گسترش ایدئولوژی انقلاب نقشی گسترده به عهده داشتند. با توجه به این که برخلاف انقلاب های معاصر دیگر، در وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی نقش احزاب و گروه های حرفه ای انقلابی دیده نمی شود، نقش شاگردان مکتب امام در شهرها و روستاهای کشور به هنگام وقوع انقلاب قابل توجه و با اهمیت بود.

بیان و گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی؛ گسترش ایدئولوژی انقلابی یکی از شرایط بنیادی وقوع انقلاب است. گسترش ایدئولوژی بسته به شرایط ممکن است نیاز به زدودن برخی افکار موجود در میان گروه های مرجع و تلاش های تبلیغی خاص داشته باشد.

امام خمینی از یک طرف با حرام اعلام کردن تقیه (تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب و لو بلغ ما بلغ / صحیفه امام، جلد ۱، ص ۱۷۸) در دوره پیش از انقلاب یعنی مبارزه با سکوت حوزه های علوم

دینی در مقابل حکومت پهلوی و بیان این نکته که اسلام همه اش سیاسی است، و از طرف دیگر با تذکر جنبه های انقلابی مفاهیم مذهبی از قبیل عاشورا، به بیان وظیفه قشرهای مختلف در مبارزه با رژیم شاه می پرداخت. ایشان هم چنین با درس های حکومت اسلامی و ولایت فقیه در سال ۱۳۴۸ در زمان تبعید در نجف اشرف، حکومت جایگزین را معرفی کرد. بیان و سپس گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی که با تلاش های امام و مراکز مختلف روحانیت در سراسر کشور صورت گرفت مرحله ای بسیار مهم در رخداد انقلاب اسلامی بود و بدون این تلاش ها پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی امکان پذیر نبود.

تنظیم و اجرای راهبردها و تاکتیک های حرکت انقلابی؛ تلاش های امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی در گزینش روش های مبارزه نیز دقیق بود. ایشان در هر مرحله انقلاب با توجه به شرایط موجود، راهبردها و تاکتیک هایی را برگزید که در صورتی که غیر از آنها انتخاب می شد، وقوع و پیروزی سریع انقلاب اسلامی غیر ممکن بود. از جمله انتخاب راهبرد تربیت نیروهای انقلابی در سال های پیش از وقوع انقلاب و راهبرد مبارزه منفی یعنی بهره گیری از همایش های میلیونی و اعتصابات سراسری و راهبرد عدم درگیری با نیروهای مسلح به هنگام وقوع انقلاب (احمدعلی خسروی، ۱۳۷۹، صفحات مختلف). این راهبردها باعث سرعت در پیروزی انقلاب و تلفات نسبتاً کم نیروهای انقلابی گردید. درگیری مسلحانه با رژیم می که ژاندارم آمریکا در منطقه بود، می توانست زمان پیروزی را به عقب انداخته، تلفات را افزایش داده و نتایجی ناخواسته به دنبال آورد.

بسیج عمومی و ورود نخبگان و توده ها به صحنه؛ امام به هنگام وقوع انقلاب توانست با بسیج عمومی گسترده، گروه های مختلف مردم شامل توده ها و نخبگان را به صحنه بیاورد. انقلاب اسلامی از نظر میزان نخبگان و توده های شرکت کننده در میان انقلاب های معاصر بی نظیر است. به جز وابستگان به رژیم سابق که در مقابل انقلاب قرار داشتند، تقریباً همه اقشار و افراد در صحنه حاضر شدند و فرمان امام را پذیرا شدند. اعتماد مردم به امام خمینی و روش های ایشان در رهبری و همچنین تبدیل مساجد و تکایا به مراکز آغاز تظاهرات و نقش گروه های روحانیت در سراسر کشور که به نقش امام در رهبری انقلاب مبتنی بودند، حرکتی بسیار گسترده و توانا ایجاد کرد که رژیم شاه و حامیان خارجی آن را غافلگیر و از انجام هر گونه عکس العمل بازدارنده ناتوان کرد.

تشکیل نظام جمهوری اسلامی؛ با پیروزی انقلاب اسلامی امام با تکیه بر همراهی عمومی و با رد کردن خواست های تعدادی از گروه های سیاسی که در راه استقرار نظام اسلامی مانع تراشی می کردند گروه هایی که از یک طرف در میان مردم از حمایتی برخوردار نبودند و از طرف دیگر بسیاری از آن ها به قدرت های بیرونی وابسته بودند. زمینه قانونی استقرار نظام

جدید را فراهم آورد. بدین ترتیب، ایشان تشکیل نظام جدید را به فراندوم عمومی گذاشت و سپس با فراهم آوردن شرایط تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و تصویب اصول این قانون، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را نیز به آرای عمومی گذارد. بدین ترتیب نظامی نوین و اسلامی پدید آمد که همه ساختارها و مقامات عالی رتبه آن با رای مستقیم مردم برگزیده می‌شوند. امام در عصر نظام های حکومتی دنیوی، تشکیل نظام مردم سالاری دینی را به تحقق رساند و راهی جدید به ملت‌های مسلمان و جهانیان نشان داد که هم به انجام فرامین الهی پایبند است و هم به نقش مردم در سیاست تاکید می‌کند.

۴- امام خمینی و حوادث پس از پیروزی انقلاب: امام در برخورد با حوادث داخلی و خارجی بعد از پیروزی انقلاب نیز تیز بینی، آینده نگری و اعتماد بنفس فوق‌العاده که راهگشای حل مشکلات وسیع پس از پیروزی است از خود نشان داد. در حوادث و تحولات داخلی، امام با پشتوانه مردمی به حل مشکلات پیش آمده پرداخت و نظام را تثبیت کرد. در مسائل خارجی نیز این توانائی دیده می‌شد. از جمله زمانی که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ صدام با حمایت قدرت های جهانی با حمله هوایی به فرودگاه های کشور جنگ علیه ایران را آغاز کرد، امام با اعتماد بنفسی فوق‌العاده وعده زدن سیلی محکمی به صدام را داد. صدام به زودی از پیروزی ناامید گردید و تقریباً در تمام طول مدت جنگ برای پایان دادن به جنگ التماس می‌کرد. امام همچنین در زمان اشغال لانه جاسوسی امریکا در تهران (سفارت سابق آمریکا) و تهدید آمریکایی ها، حرکت دانشجویان را انقلاب دوم نامیده اعلام کرد که "آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند" (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۱۵). توانایی و هوشمندی امام در برخورد با حوادث مختلف دیگر پس از پیروزی انقلاب نیز آشکار بود. از جمله قبل از رحلت جنگ را به پایان برد و اصلاحات لازم در قانون اساسی را نیز به انجام رسانید. جمله ای از وصیت نامه امام گویای رضایت و اطمینان ایشان به آینده نظام جمهوری اسلامی بود: با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۵۰).

به طور کلی، امام خمینی (ره) اندیشمندی بزرگ و تاریخ ساز، معتقد به دینی شدن سیاست، ایدئولوگ و فرمانده انقلاب و معمار نظام جدید بود که با برنامه‌ریزی و تنظیم شایسته راهبردها و تاکتیک های حرکت انقلاب و اعتماد بنفس فوق‌العاده و اراده پولادین خود توانست با سرعت رژیم وابسته پهلوی را سرنگون و نظام جمهوری اسلامی ایران را بنیاد نهاد و کشتی انقلاب را در مقابل طوفان حوادث داخلی و خارجی پس از انقلاب به سوی ساحل هدایت کند.

اینک اشاره ای به نقش دو عامل ایدئولوژی و رهبری بر سه امر زمان پیروزی، ثبات پس از پیروزی و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی می نمائیم:

نقش ایدئولوژی و رهبری انقلابی در زمان پیروزی انقلاب اسلامی

بسیاری از حرکت های انقلابی، مسلحانه و حتی شورش های بزرگ به سرعت و یا به مرور زمان فرو می نشینند و پیروزی را تجربه نمی کنند. مثال های این امر از جمله در کشورهای آمریکای لاتین زیاد است (ژرار شالیان، ۱۳۶۱، صص ۲۵۸-۲۶۶).

در خصوص حرکت هائی که به پیروزی می رسند، زمان و سرعت پیروزی انقلاب تابعی از عوامل مختلف از قبیل میزان قدرت رژیم سیاسی، انسجام یا تباهی طبقه حاکم (از دست دادن اعتقاد به حقانیت خود و از دست دادن اعتماد به نفس)، میزان و نوع حمایت حمایت خارجی از رژیم سیاسی، میزان گسترش و مبنا و محتوای ایدئولوژی انقلابی، راهبردها و تاکتیک های رهبری انقلابی و غیره است.

در این میان نقش دو عامل ایدئولوژی و رهبری انقلابی قاطع و تعیین کننده است: ایدئولوژی در صورتی که به فرهنگ کشور پیوند خورده و اصیل و غیروارداتی بوده و قادر شود جمعیتی عظیم از نخبگان و توده ها را با خود همراه کند، زمینه ای بسیار قوی در اختیار رهبران انقلابی قرار می دهد تا به سازمان دهی و بسیج توده ها پرداخته و امکان ابتکار عمل را از رژیم سیاسی بگیرند. این وضعیت در زمان وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی آشکار بود. حرکت بسیار گسترده مردمی در جریان انقلاب اسلامی به سرعت شرایط را غیرقابل برگشت کرده، رژیمی را که هیچ کس تصور پیروزی بر آن را نداشت، تنها در مدت تقریبی یک سال و یک ماه از پای در آورد.

در این ارتباط نقش رهبری امام که از ابتدا به نقش مرجعیت عامه تاکید داشت و به هنگام انقلاب از راهبرد مبارزه منفی - بهره گیری از تظاهرات و اعتصابات سراسری - و عدم درگیری با نیروهای مسلح استفاده کرد نیز آشکار بود.

نقش ایدئولوژی و رهبری انقلابی در ثبات پس از پیروزی انقلاب اسلامی

انقلاب ها پس از پیروزی معمولا با طوفانی از حوادث برخورد می کنند. این حوادث در سرعت و میزان ایجاد ثبات موثرند. پس از پیروزی انقلاب مجموعه ی مخالفان انقلاب از جمله بازماندگان رژیم سابق و معمولا با کمک و سازماندهی قدرت های خارجی معارض انقلاب در مقابل انقلاب صف آرای می کنند.

سرعت ایجاد و میزان ثبات پس از پیروزی انقلاب نیز تابعی از ایدئولوژی و رهبری انقلابی است. هر چه بیش‌تر ایدئولوژی با فرهنگ کشور پیوند خورده و تنازع کمتر میان انقلابی‌ها از جمله رهبران انقلابی موجود باشد، بعد از پیروزی ثبات سریع‌تر و قابل اعتمادتر پدید می‌آید.

نمونه‌ی پراکنده‌ی ایدئولوژیک را در انقلاب سال ۱۷۸۹ فرانسه می‌بینیم و به همین دلیل بی‌ثباتی‌های بسیاری پس از وقوع آن انقلاب دیده شد:

ابتدا با نقش رهبری میرابو این کشور در ۱۷۹۱ به مشروطه تبدیل شد، سپس در ۱۷۹۲ دانتون رهبر ژیروندن‌ها که به میانه‌روها مشهور بودند کشور را به "جمهوری بورژوازی" تبدیل کرد. پس از آن در ۱۷۹۳ روبسپیر رهبر ژاکوبین‌ها که رادیکال بودند "جمهوری مساوات" پدید آورد. در سال بعد حکومت پنج نفره‌ی "هیئت مدیره" آمد که ناپلئون یکی از آن‌ها بود. وی در ۱۷۹۹ کشور را به امپراطوری تبدیل کرد. در سال ۱۸۱۵ و بعد از شکست فرانسه در جنگ‌های ناپلئونی، قدرت‌های پیروز بر مبنای تصمیمات کنگره‌ی وین، لئونی ۱۸ را پادشاه فرانسه کردند. فرانسه دوباره در سال‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ با انقلاب به ترتیب تبدیل به مشروطه و جمهوری شد (آبرماله و ژول ایواک، ۱۳۶۴، صص ۴۳۱-۴۳۳/دالین و دیگران، ۱۳۶۶، ج ۱، صص ۹-۵۳/برینگتون مور، ۱۳۶۹، صص ۱۲۸/رابرت روزول پالمر، ۱۳۵۲، صفحات مختلف).

در این بی‌ثباتی‌های پیاپی بدون شک نقش ایدئولوژی و رهبری انقلابی آشکار بود. زیرا در قرن ۱۸ که در فرانسه قرن روشن فکری نام گرفته بود، نویسندگان توانسته بودند مردم و روشن فکران را از نظر اعتقاد از حکومت دور کنند، اما نتوانسته بودند برداشتی مشترک از مفاهیمی مانند آزادی، که مردم درخواست رسیدن به آن را داشتند، را در ذهن آنان وارد کنند (هارولد لاسکی، ۱۳۵۳، صص ۲۱۹).

بر خلاف نمونه‌ی فرانسه، انقلاب اسلامی ایران به دلیل وحدت ایدئولوژی و رهبری، پیوند ویژه‌ی ایدئولوژی و رهبری انقلابی با فرهنگ تاریخی و دینی مردم و رابطه‌ی مردم و روحانیت و اعتماد بالای توده‌ها و نخبگان به امام خمینی توانست بعد از پیروزی به سرعت نظام جدید و نهادها قانونی آن را مستقر نماید و از بی‌ثباتی‌های بنیان برانداز پیش گفته در امان باشد.

نقش ایدئولوژی و رهبری در بازتاب جهانی انقلاب اسلامی

قبل از بازگوئی این نقش ابتدا اشاره‌ای کوتاه به میزان و موضوعات بازتاب انقلاب اسلامی و نیز یکی از مسائل راهبردی کنونی جهانی مرتبط با این امر یعنی مساله گسترش ناتو به شرق داریم:

آقای فرد هالیدی از پژوهش گران پدیده انقلاب به نکته‌ای جالب در باب بازتاب انقلاب‌ها اشاره کرده است. وی می‌نویسد که هرچند در غرب درباره زمینه‌ها، علل و عوامل وقوع انقلاب مقاله و نوشته‌های زیادی وجود دارد، اما غربیان درباره نتایج و بازتاب انقلاب بسیار کم نوشته‌اند. به نظر وی علت این امر را باید در این نکته دید که از دید آن‌ها اگر در این رابطه پژوهش کنند، به معنی تبلیغ انقلاب‌ها خواهد بود و با توجه به این که انقلاب‌ها معمولاً مبارزه با منافع غرب را پی‌گیری می‌نمایند، پژوهش در زمینه نتایج انقلاب‌ها یک حیطه ممنوعه قلمداد می‌شود (فرد هالیدی، ۱۳۷۸). به همین صورت، پژوهشگران غربی نسبت به اعلام حجم بزرگ بازتاب انقلاب اسلامی نیز بی‌میلی خاص از خود نشان می‌دهند.

با بررسی و مقایسه شرایط امروز و زمان پیروزی انقلاب اسلامی، ما می‌توانیم میزان و موضوعات مختلف بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران را ببینیم.

مهم‌ترین موارد بازتاب انقلاب اسلامی را می‌توان در ۷ موضوع ذیل دید:

۱- بازتاب انقلاب اسلامی بر نظریه‌های سیاسی از جمله تبدیل نسل سوم به نسل چهارم نظریه‌های انقلاب؛ این تاثیر در آثار و نوشته‌های نویسندگان مختلف از جمله جک گلدستون و جان فوران مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است. همان‌گونه که پیش از این آمد در نسل چهارم بر خلاف نسل سوم که نسلی ساختارگرا و جبری نگر بود، نقش عوامل فرهنگی مانند ایدئولوژی انقلابی و رهبری مورد تاکید قرار می‌گیرد؛

۲- بازتاب انقلاب اسلامی بر امنیت و راهبردهای جهانی و منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ و دولت‌های وابسته به آنها؛ از جمله به زیر کشیدن ژاندارم آمریکا در منطقه و نتایج آن مانند ایجاد خلا قدرت منطقه‌ای، فروپاشی سازمان پیمان مرکزی (ستو)، تهدید امنیتی جدی برای رژیم صهیونیستی، قرار گرفتن در گروه دلایل فروپاشی اتحاد شوروی و غیره؛

۳- بازتاب انقلاب اسلامی بر حرکت‌های رهائی بخش مردمی در مناطق مختلف جهان به ویژه جهان اسلام؛ این حرکت‌ها در آمریکای لاتین به صورت گسترش الهیات رهائی بخش مسیحی خود را نشان داده است. نمونه‌هایی از این بازتاب را می‌توان در پیدایش یا فعال شدن گروه‌های بی‌شمار اسلام‌گرا مانند اخوان المسلمین و گروه‌های مرتبط به آن در کشورهای عربی، گروه‌های جهادی و اسلام‌گرا در شمال آفریقا مانند التکفیر و الهجرة و الجهاد در مصر، جبهه نجات اسلامی الجزایر، جنبش النهضة مراکش، حزب الدعوة اسلامی و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، حزب‌الله لبنان، سازمان جهاد اسلامی و جنبش مقاومت اسلامی (حماس) در فلسطین، سازمان‌های متعدد اسلامی در حاشیه جنوبی خلیج فارس از جمله سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب و جبهه اسلامی آزادیبخش بحرین، احزاب و سازمان‌های اسلام‌گرا در آسیای مرکزی و قفقاز از جمله در کشورهای روسیه (چچن، بالکاریای شمالی،

داغستان و غیره)، ازبکستان، تاجیکستان و آذربایجان، احزاب اسلامی در بالکان (بوسنی و هرزگوین)، گروه های اسلام گرا در آسیای جنوبی (پاکستان، کشمیر، افغانستان)، احزاب و سازمان های اسلامی در آسیای شرقی و جنوب شرقی و غیره دید؛

۴ - بازتاب انقلاب اسلامی بر دولت ها و نخبگان سیاسی در جهان اسلام؛ از جمله ساقط شدن رژیم دیکتاتوری جعفر نمیری در سودان توسط اسلام گرایان، پیروزی های پیاپی اسلام گرایان میانه رو در ترکیه، تغییرات در افکار سیاسی برخی از نخبگان سیاسی در حاشیه خلیج فارس که آمریکا را بر آن داشت تا مرکز اصلی نیروهای خود در خلیج فارس را از عربستان سعودی به کشوری کم اهمیت تر یعنی قطر منتقل کند؛

۵ - بازتاب انقلاب اسلامی بر سازمان های بین المللی و تصمیمات آن ها؛ از جمله سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش غیرمتعهدها، اوپک و غیره؛

۶ - بازتاب انقلاب اسلامی بر چهره عمومی جوامع اسلامی مانند گسترش رعایت آداب اسلامی، گسترش حجاب اسلامی، افزایش شرکت در مراسم مذهبی و غیره؛

۷ - تلاش های علمی بسیار در سطح جهان برای شناخت اسلام و به ویژه تشیع، امام خمینی (ره)، ایران، انقلاب اسلامی و غیره.

اینک با توجه به اهمیت موضوع و نقشی که ایران اسلامی امروزه در مسائل و قضایای جهانی دارد، به طور خلاصه به یکی از مهم ترین مسائل راهبردی در جهان معاصر یعنی گسترش ناتو به شرق می پردازیم.

غرب و انفعال در راهبرد جهانی

استقلال از قدرت های غربی و شرقی بخشی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی را تشکیل داده و ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی از این دستاورد پاسداری کرده است. از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرچم مخالفت جدی با مطامع استعماری غرب به رهبری آمریکا در دست ایران اسلامی قرار داشته و نتایج این امر، خود را در ضعف روزافزون غرب - چه به دلیل افزایش آگاهی مردم جهان از مطامع استعماری قدرت های غربی و انعکاس این امر در ایجاد شکاف در هژمونی و سلطه فکری جهانی این قدرت ها و چه به دلیل آشکار شدن نتایج سیاست های نادرست این دولت ها از قبیل اشغال سرزمین های دیگر با عناوینی مانند مبارزه با تروریسم - نشان داده است.

در این میان نگاهی به تحولات در ایده غربی و به ویژه آمریکائی گسترش ناتو به شرق نشان دهنده نوعی انفعال آشکار در این موضوع حیاتی برای غرب است.

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و پیمان ورشو، غرب به تصور اینکه فروپاشی رقیب به معنی صلابت و قدرت غرب و نقطه آغازی بر ظهور جهان تک قطبی است، گسترش پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو به شرق - اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی - را در دستور کار خود قرار داد تا با حضور مستقیم در مناطق یاد شده، سیطره جهانی خود را تحکیم بخشد و هرگونه نیروی احتمالی بازدارنده و مخالفی را تحت کنترل درآورده، از نزدیک برای فروپاشی‌های دیگر در روسیه و محاصره ایران از شمال و شرق و افزایش فشار بر ایران در مرزهای شمالی کشور و در نتیجه دیکته کردن درخواست‌های خود به ایران از جمله کنار نهادن کمک به حرکت‌های ضد غربی اقدام کند. این مسئله از این نظر هم اهمیت داشت که مناطق خلیج فارس و دریای مازندران دارای ذخایر بزرگ نفتی هستند که غرب شدیداً نیازمند واردات آن‌هاست. از سوی دیگر غرب اعمال فشار بیشتر بر ایران را برای تامین امنیت رژیم صهیونیستی نیاز داشت؛ امنیتی که برای نخستین بار و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و طرح مساله فلسطین به عنوان مساله مرکزی جهان اسلام و پیدایش گروه‌های متعدد اسلام‌گرا در فلسطین و سایر کشورهای اسلامی مورد تهدید جدی قرار گرفته بود.

در این زمان، باتوجه به آشفتگی‌های بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و بحران اقتصادی در روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، فدراسیون روسیه چندان قادر نبود که در مسائل جهانی و منطقه‌ای ایفای نقش کند و این کشور به یک بازیگر منفعل تبدیل شده بود که در برابر دریافت برخی کمک‌ها و هدایای غرب، در مقابل گسترش ناتو به اروپای شرقی و یا حضور نیروهای آمریکائی در آسیای مرکزی به بهانه مبارزه با حکومت طالبان (و بن لادن) در افغانستان سکوت می‌کرد.

اما سپس با گذشت زمان و آشکار شدن هرچه بیشتر درستی دیدگاه‌های ایران در ایستادگی در مقابل آمریکا و لزوم انجام همکاری‌های منطقه‌ای بیشتر به منظور ممانعت از یکجانبه‌گرایی‌های غرب به ویژه آمریکا، برخی از دولت‌های بزرگ آسیائی و اوراسیائی مانند چین و روسیه با اقدامات غرب در شرق اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی به مقابله برخاستند و با بهبودی شرایط اقتصادی در روسیه و رشد و توسعه اقتصادی در چین این دولت‌ها سازمان پیمان شانگهای را که برخی از کشورهای آسیای مرکزی نیز در آن عضویت دارند و کشورهای ایران و هند نیز به عضویت ناظر آن در آمده‌اند، بنیاد نهادند.

پیمان شانگهای سپس با حساسیت نسبت به حضور نیروهای غربی در آسیای مرکزی هشدار داد و از آنان خواست که منطقه را ترک کنند. به علاوه اثبات ناتوانی غرب در بازداشتن جمهوری اسلامی ایران (از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای، کمک به سازمان‌های مبارز لبنانی و فلسطینی و غیره) و ایستادگی و موفقیت روسیه در برابر گرجستان در مساله اوستیای جنوبی و

اخیراً عقب‌نشینی باراک حسین اوباما از طرح استقرار سپر دفاع موشکی آمریکای در چک و لهستان، نشان دهنده ضعف روزافزون غرب در پیش برد اهداف راهبردی اش در این منطقه می‌باشد.

به طور کلی، درحالی که غرب و به ویژه آمریکا پس از فروپاشی اتحاد شوروی ابتکار عمل را در دست گرفته و یک راهبرد فعال در رابطه با قضایای جهانی داشت، امروزه و بعد از عدم کامیابی‌های جهانی بسیار از جمله غوطه‌ور شدن در گرداب‌های عراق و افغانستان، که زمانی برخی از تحلیل‌گران آن را آغاز کامیابی‌های جهانی آمریکا قلمداد می‌نمودند، و بحران اقتصادی شدید، به حال انفعال افتاده و تنها برای جلوگیری از سقوط در ورطه‌های آینده در تکاپو است و بدین دلیل گسترش ناتو به شرق را تعقیب می‌کند.

در پایان توجه به این نکته مهم نیز لازم است که هرچند ایستادگی ادامه یافته ایران در سال‌های گذشته در برابر آمریکا را شاهد بوده ایم، بر عکس کشورهایمانند روسیه، چین و هند بر مبنای منافع کوتاه مدت خود بارها به مصالحه با آمریکا نشستند. بنابراین، علی‌رغم اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای در قضایای بین‌المللی، کشور ما باید هم چون گذشته با تاکید بر حفظ استقلال تنها بر توانایی‌ها و امکانات خود تکیه نماید و با فرض عدم اعتماد به سیاست‌های آینده دولت‌های دیگری هم چون روسیه، چین و هند، در شرایط ویژه از عامل همکاری‌های منطقه‌ای، دیپلماسی و بهره‌گیری از مخالفت سایر دولت‌ها با قدرت‌های غربی استعمارگر به خوبی استفاده نماید.

حال نگاهی به نقش ایدئولوژی و رهبری انقلابی در بازتاب انقلاب اسلامی داریم:

یکی از جامعه‌شناسان سیاسی پس از بررسی تاریخ انقلاب‌ها و اغتشاشات اروپایی از دوره‌های باستانی تا دهه ۱۹۳۰ م این اعتقاد را بیان داشته است که: به ندرت اتفاق می‌افتد - اگر نه هرگز - که یک انقلاب در مرزهایش محصور شود؛ زیرا انقلاب‌ها بر سرزمین‌هایی که دارای اقلیم فرهنگی مشابه با کشور انقلابی هستند به صورت جدی تاثیر می‌گذارند (Pitirim Sorokin, 1970, p.125-147).

در میان عواملی که مستقیماً با بازتاب انقلاب رابطه دارند نقش ایدئولوژی و رهبری انقلابی واضح‌تر است. اساساً بازتاب انقلاب‌ها در درجه اول مربوط به تاثیر ایدئولوژی انقلابی در سرزمین‌های دیگر است. رهبران انقلابی نیز با اعلام این مطلب که: ۱- آیا می‌خواهند اول یک جامعه نمونه و آرمانی در داخل بپا دارند و سپس تغییر در سایر نقاط دنیا را در نظر بگیرند؛ ۲- اگر انقلاب جهانی را فراموش کنیم، انقلاب ما نیز از بین می‌رود و ۳- باید ساختن جامعه‌ای آرمانی و تلاش برای بازتاب انقلاب هم زمان صورت پذیرد، به طور مستقیم در میزان تلاش‌ها برای بازتاب یک انقلاب نقش دارند.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی به دلیل محتوا و مفادش مانند تاکید بر نقش دین، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و توسعه همه جانبه یک نمونه منحصر به فرد در میان ایدئولوژی‌های انقلابی معاصر است که تنها به برخی موارد مانند استقلال، آزادی یا عدالت اجتماعی تاکید کرده‌اند و به همین دلیل از جذابیت ویژه به خصوص در میان مسلمانان جهان برخوردار شده است. البته این جذابیت بر مبنای میزان نقاط مشترک فرهنگی ملت ایران با ملت‌های مختلف متفاوت بوده است. به عنوان مثال، شیعیان بیش از سایر گروه‌ها تحت تاثیر آن قرار گرفتند و از میان اهل تسنن نیز گروه‌هایی که از لحاظ فکری به تشیع نزدیکتر بودند تاثیر بیشتر پذیرفتند؛ به گونه‌ای که حنبلی‌ها که وهابی‌ها از میان آنان پدید آمدند، کمتر از سایر گروه‌های اهل تسنن به انقلاب اسلامی گرایش یافتند.

به جز نقش ایدئولوژی، باید به نقش رهبری امام خمینی در بازتاب انقلاب اسلامی نیز اشاره کرد. جمله مشهور ایشان "ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم" و "ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم" و همان گونه که پیش از این آمد این جمله که "ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم" حاکی از توجه ویژه وی به بازتاب انقلاب اسلامی بوده است (صحیفه امام، جلد ۱۲، صفحات ۱۳۸ و ۱۴۸). امام هم چنین تاکید همزمان بر بازتاب انقلاب و ساختن جامعه آرمانی انقلاب اسلامی داشت.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی

۱. اسکاج پل. تدا، (۱۳۷۶)، *دولتها و انقلاب‌های اجتماعی*، ترجمه سید مجید روئین تن، تهران: انتشارات سروش.
۲. بریتون. کرین، (۱۳۶۶)، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نو.
۳. پالم. رابرت روزول، (۱۳۵۲)، *عصر انقلاب دموکراتیک*، ترجمه حسین فرهودی، ۲ جلد، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد ۱.
۴. پناهی. محمد حسین، (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۵. حاضری. علی محمد، (۱۳۷۷)، "فرایند بالندگی ایدئولوژی انقلاب اسلامی"، *فصلنامه متین*، شماره ۱، سال ۱.
۶. خسروی. احمد علی، (۱۳۷۹)، *بررسی استراتژی امام خمینی (ره) در رهبری انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ - ۱۳۴۲*، قم: نشر پیک جلال.
۷. دالین و دیگران، *تاریخ انقلاب فرانسه*، ترجمه فریدون شایان، ۲ جلد، تهران: انتشارات پیشرو، ۱۳۶۶، جلد ۱.
۸. شالیان. ژرار، (۱۳۶۱)، *اسطوره‌های انقلابی در جهان سوم*، ترجمه محمود ریاضی، تهران: ققنوس.
۹. شفیعی فر. محمد،
۱۰. *صحیفه امام*، جلد‌های ۱- ۵- ۱۰- ۱۱- ۱۲ و ۲۱.
۱۱. عنایت. حمید، "انقلاب ۱۹۷۹ ایران؛ مذهب به عنوان ایدئولوژی سیاسی"، *درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی*، قم: نشر معارف.
۱۲. فرومارک، (۱۳۵۳)، *انقلاب روسیه*، ترجمه جمشید نبوی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. کارماکل. جوئل، (۱۳۶۳)، *تاریخ انقلاب روسیه*، ترجمه هوشنگ امیر مکرمی، تهران: انتشارات رازی.

۱۴. کوزر. لويس، (۱۳۶۹)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۵. لاسکی. جی. هارولد، (۱۳۵۳)، *سیر آزادی در اروپا*، ترجمه رحمت‌اله مقدم مراغه‌ای، تهران: کتابهای جیبی.
۱۶. ماله. آلبر و ایزاک. ژول، (۱۳۶۴)، *تاریخ قرن هجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: کتابخانه جیبی.
۱۷. محسنیان راد. مهدی، *بررسی دیوار نوشته‌های دوران انقلاب*، فصلنامه رسانه، شماره ۳.
۱۸. مطهری. مرتضی، *مجموعه آثار*، ۲۰ جلد، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹، ج ۲، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی.
۱۹. ملکوتیان. مصطفی، (۱۳۸۱)، «انقلاب از آغاز تا فرجام: مروری بر ویژگی‌های هفتگانه مشترک انقلاب‌ها»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۵۷.
۲۰. ملکوتیان. مصطفی و دیگران، (۱۳۸۴)، *انقلاب اسلامی ایران*، قم: نشر معارف.
۲۱. ملکوتیان. مصطفی، (۱۳۸۱)، *انقلاب‌های متعارض معاصر*، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲۲. مور. برینگتون، (۱۳۶۹)، *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۳. یزدی. ابراهیم، (۱۳۳۸)، *آخرین تلاشها در آخرین روزها*، تهران: انتشارات قلم.
۲۴. هالیدی. فرد، (۱۳۷۸)، «انقلاب و روابط بین‌الملل»، ترجمه مسعود اخوان کاظمی، *فصلنامه انقلاب اسلامی*، پیش شماره سوم.
۲۵. اسپوزیتو. جان، (۱۳۸۲)، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲۶. حشمت زاده. محمد باقر، (۱۳۸۵)، *بازتاب انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۷. فوزی. یحیی، (۱۳۸۴)، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، قم: نشر معارف.
۲۸. محمدی. منوچهر، (۱۳۷۰)، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، تهران: نویسنده.
۲۹. محمدی. منوچهر، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. محمدی. منوچهر، (۱۳۶۵)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: امیر کبیر.

ب. خارجی:

- 1-Sorokin, pitirim.A, (1970), "Fluctuations of Internal Disturbances"; in: Kelly & Brown(eds), *Struggles in the State*, Wiley.
- 2- Goldstone.Jack, (2003), "Toward a Fourth Generation of Revolutionary Theory".
- 3- Theofanis. George Slavrou , (1971), (editor), *Russia under the Last Tzar*, Minesota.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«انقلاب: پیشینه نظری موضوع و پیشنهاد یک مدل راهنما»، شماره ۳۳؛ «انقلاب از آغاز تا فرجام؛ مروری بر ویژگی‌های هفتگانه مشترک انقلاب‌ها»، شماره ۵۷؛ «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، شماره ۶۱؛ «مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران»، شماره ۶۳؛ «انقلاب‌های رنگی» در آسیای مرکزی و قفقاز و تمایز آنها از انقلاب‌های واقعی»، شماره ۴، سال ۱۳۸۶؛ «امام خمینی (ره) و رویدادهای بزرگ ایران معاصر (پیش از انقلاب اسلامی)»، شماره ۳، سال ۸۷؛ «ورزش و سیاست»، شماره ۲، سال ۸۸.